سلسله گفت وگوهای «ایران» با نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری (۶)

کروبی: خط قرمز مردم قابل گذشت نیست

کسری نوری ـ محمد نوری ـ جواد دلیری

دیدار ما با شیخ مهدی کروبی در صبحگاه بارانی پایتخت که در آن لطافت بهار با گرمای انتخابات طبیعت و سیاست را دلبذیر کرده است انجام پذیرفت. در میان کارگزاران جمهوری اسلامی ، دبیر مجمع روحانیون ،روحانی منحصر به فرد دارد، رفاقت و دوستی جاشنی رفتار او است. رسمیت جلسه گفت وگوی ما را نبس پیشین مجلس شورای اسلامی با همین جاشنی شکسته شد. مصاحبه ای که شاید در ذهن خود طرح یک مواجهه و چالش را می پروراندیم. آخر الامر به یک گپ سیاسی تبدیل شد .

میزبان ما ترجیح داد گفت وگوی مبسوط او با «ایران» در عین حال فرصتی برای همسخنی اهل رسانه و اهالی سیاست باشد.

البته رضایت ما نیز با این تدبیر شیخ همراه بود. ما خواهوده مطبوعاتی «ایران» نیز که در این سالها نگاهی احترام آمیز به نقشهای این ریش سفید اصلاح طلبان داشتیم چنین فرصتی را مغتنم شمردیم. اما فضای دوستانه جلسه مانع از آن نشد که کاندیدای اصلاح طلبان پرسشهای ما را نشنود. او با حوصله سوالات ما را که گاهی آهنگ نقد و چالش به عملکرد او و طایفه اصلاح طلبان داشت شنید. بخش غالبی از آن را پاسخ گفت و قسمتی دیگر را به وقت مقتضی احاله کرد.

مهدی کروبی درست پس از ۸ ماه از تجربه حذف و ناکامی اصلاح طلبان اکنون گام در آزمون خطیری نهاده است. او در این انتخاب برای خود تکلیف و تعهدی تاریخی حس می کند و بر آن است تا در کنار کاندیدای دیگر دوماه (مصطفی معین) مدافع میراث اصلاحات باشد.

کروبی اکنون با کارنامه ای پر فراز و فرود که بخشی از آن در همقدمی با اصلاح طلبان و بخش دیگر در همنشینی با بلند پایگان نظام رقم خورده است به انتخابات بازگشته است. او خودش در مرور این سابقه، گاهی زبان به اقرار می گشاید و ضعف ها و لغزشها را تأیید می کند و گاهی دیگر، زبان ملامت و حسرت در کام می گیرد و یاران اصلاح طلب اش را صاحب تقصیر می خواند. در هر حال او با نوشتن نام خود در دفتر یک کارزار جدید، خویشتن را در معرض قضاوتی تازه قرار داده است و بی اعتنا به حدس و پیشداوری دیگران منتظر است تا حکم نهایی مردم را در ۲۷ خرداد بشنود. کروبی به اعتبار حضور طولانی در مناسبات سران نظام و در هر گفت وگویی، حرفهایی نیز برای نگفتن دارد، با طرح هر پرسشی ذهن این مقام خانواده نظام در گیر بخشی از وقایع سالهای اخیر می شود که در نهایت شیخ را به اقدام ناخواسته خاموش کردن ضبط می کشاند.

اما گفت وگوی ما با ریش سفید اصلاحات، اتفاقات دیگری را هم شاهد بود. اضافه شدن مدیر مسؤول روزنامه که به اتفاق دست دیرینش دعوتنامه ای مستقل از میزبان داشت فضای مصاحبه را به سمت معادلات و مسائل خانوادگی اصلاح طلبان کشید. از این پس پای پرسشها و نقدهای جدید به میان آمد.

*** آقای کروبی هنوز هم بسیاری از افراد از چرایی آمدن شما به انتخابات می پرسند. سؤال این است که تصمیم شما خلاف عرف و عادت معمول سیاستمداران ایران است که وقتی از نگاه افکار عمومی نسبت به موقعیت خود خبر دارند از ریسک ورود به رقابتهای انتخاباتی پرهیز می کنند اما شما در وضعیتی که خیلی از مدیران ترجیح داده اند در عرصه پردردسر انتخابات وارد نشوند ، تصمیم به کاندیداتوری گرفته اید، چرا ؟**

** بنای من این بوده که هیچگاه صحنه را خالی نکنم و حضور خود را در صحنه باشم ، اما همیشه تلاش داشته ام که اولویت با دیگران باشد، به ویژه در بخش مدیریت اجرایی ، نمونه آن ماجرای دوم خرداد است. وقتی مجمع روحانیون تصمیم گرفت در انتخابات دوم خرداد ۷۶ حضور جدی داشته باشد ، ابتدا دنبال آقای میرحسین موسوی رفتیم و از ایشان درخواست کردیم که بیایند ، وقتی جامعه از آمدن آقای موسوی مأیوس شد یا ایشان مصلحت ندید وارد صحنه شود ، نخستین نفری که به فکر آقای خاتمی افتاد ، من بودم . جمعی هم بودند که به جد می گفتند من بیایم چون به زعم آنها بواسطه تصدی پست ریاست مجلس از همه معروف تر بودم . اما به هر قیمتی بود همه تلاش کردیم تا اینکه آقای خاتمی پذیرفت ، حتی وقتی قرار شد در حضور مقام معظم رهبری این تصمیم مطرح شود آقای خاتمی تأکید داشتند که باید بگویید قرار است یکی از ما (خاتمی یا کروبی یا موسوی خوئینی ها) بیاید . در دوره نهم هم من با زاین مسیر را پیمودم و به اتفاق دوستان همفکر همه راهها را طی کردم تا یک نفر را به صحنه بیاوریم که ملاقاتها و دیدارهای بنده و آقای خاتمی و موسوی خوئینی ها و مهندس موسوی در این جهت بود که (مهندس موسوی) بیاید، اما ایشان نپذیرفتند . حتی برخی از دوستان آمدند آقای موسوی خوئینی ها را برای کاندیداتوری پیشنهاد کردند من هم چند جلسه با ایشان صحبت کردم که از پذیرش مسئولیت امتناع کردند .بالاخره تلاش کردیم، افراد دیگری را بیاوریم ، اما دیگران هم نپذیرفتند ودوباره ای برای حضورآنها نبود من تصمیم گرفتم به نظر دوستان احترام گذاشته و به صحنه بیایم.**

*** تجربه حضور نخستین پس از انقلاب ، یک درس و آموزه ای مهم دارد که مردم ایران معمولاً در انتخابات ریاست جمهوری به مدیران نظام چندان روی خوش نشان نمی دهند .آیا این تجربه موقعیت شما را تهدید نمی کند؟**

** اینکه می گویید از مدیران استقبال نمی کنند، شاید شما حرمت نگاه داشتید ونخواستید بگویید منظورتان از مدیران همان اشخاص روحانی است، چون تقریباً روحانیون در این سالها در مدیریت بالای نظام قرارداده اند، اما بدین صورت که شما می گویید موافق نیستم. آقای خاتمی «روحانی» بودند و در دفعه اول رأی بالایی آوردند ، دفعه دوم هم که تنها روحانی حاضر در انتخابات بودند (بجز چاره آقای فلاحیان) نسبت به دوره قبل رأی بسیار بالاتری آوردند ، خبرهایی که الآن از مناطق مختلف می رسند در این دوره متفاوت است، نکته سوم که مهمتر است ، اینکه جامعه ما به گونه ای شده که به شخص نگاه می کنند ، یعنی نگاه می کنند به اینکه چقدر جایگاه دارد ، به تفکرات و موضع گیریهای گذشته فرد نگاه می کنند و سپس انتخاب می کنند، اما در عین حال مردم یک اشکال کلی به کل نظام دارند نه به یک شخص ، آنها معتقدند که کشور خوب اداره نمی شود. می گویند نحوه برخورد مسؤولین با مردم بد است ، چون روحانیون مظهر این حکومتند، لذا اشکالات را از چشم این قشر می بینند. راجع به خودم باید بگویم زندگی ام پرفراز و نشیب بوده است . در مجلس اول از یک شهرستان محروم نماینده بودم ، در دوره دوم و سوم نیز از تهران یک میلیون و ۴۰۰ هزار رأی آوردم، در انتخابات مجلس چهارم هم رأی نیاوردم و شما می دانید فضا چگونه بود، رد صلاحیت ها، بی حرمتی ها، دروغ ها و تهمت ها و ... با این بار (مجلس هفتم)و فضایی که می گفتند و از ابتدا نتیجه برایم مشخص بود چرا که از یک سو با حذفها وار سوی دیگر با تحریمها مواجه بودیم .اما حرفم این است که در این انتخابات برای پیروزی آمده ام ،آمده ام که بیینم مردم چقدر ما را قبول دارند، مهمترین دعوای ما این است که انتخابات ، رقابتی و آزاد باشد تا هر کس بفهمد چقدر رأی مردم را دارد.**

*** بسیاری معتقدند که در شرایط فعلی ، چهره ای مثل شما، اگر وارد صحنه نشود ، می تواند از جایگاه هدایت و رهبری یک جریان، عمل کند اما اگر وارد صحنه شود واحیاناً رأی نیاورد شاید از دامنه نفوذش و وجهه هدایت گرانه تان کاسته شود ، آیا شما نگران چنین اتفاقی بعد از انتخابات نیستید؟**

** دنیای سیاست ،دنیای واقعیات است . ما می خواهیم در انتخابات حضوری جدی داشته باشیم . نمی خواهیم بیاییم و بعد از انتخابات حرف و حدیث های دیگری مطرح کنیم، آیا غیر از این راهی داشتیم، ما دوراه داشتیم ، یا کنار می کشیدیم یا می ماندیم . یک جریانی هم وجود داشت که می خواست فضا را معلق نگاه دارد ، می خواست که با ما نیاییم یا اینکه با تکلیف و حکم بیاییم در حالی که بر این باورم مردم ما از چهره هایی که به اندازه طول حیاتشان در خدمت آرمانهای ایشان گام برداشته اند استقبال خواهند کرد.**

*** موقعیت شما در این انتخابات از یک نظر به موقعیت آقای هاشمی بسنگی دارد ، هر دو یکسار در ترازوی رأی مردم وافکار عمومی قرار گرفته اید .ایشان یک تجربه ناموفق در انتخابات مجلس ششم و شما در انتخابات مجلس هفتم دارید. حال شما در محاسبه فردی تان چگونه به تجربه ناکام قبلی در انتخابات غلبه کرده اید؟**

** وقتی آقای هاشمی می خواست به صحنه بیاید همه دوستانشان و تمام نظرسنجی ها می گفتند ایشان جزو نفرات اول است اما اینکه چرا اینجوری شد و فضا آنگونه شد، بحث دیگری است. اما وضعیت من با ایشان متفاوت است . آقای هاشمی اصلاً فکر نمی کرد حذف شد ، اما من در مورد خودم می دانستم مشکل خواهیم داشت ، من در مجمع روحانیون می گفتم بگذارید من در انتخابات مجلس هفتم ثبت نام نکنم تا بدانند که من خودم هیچ منفعتی ندارم و فقط می خواهم از داوطلبان دفاع کنم، اما دوستان ، استدلالهای گوناگونی می آوردند و می گفتند اگر شما ثبت نام نکنید، نمی توانید دفاع کنید ، چون می دانند شما سه ماه دیگر نیستید، اما با این حال ثبت نام کردم، ولی حوادث ناخواسته ای تحمیل شد و اصلاح طلبان حذف شدند. ما ماندیم بین بد وبدتر یا باید کنار بالاخره با وعده و وعید نمی توان کشور را اداره کرد . قصد من عمل و تحقق خواسته های مردم است.**

*** در این چند ماه که از نزدیک حرفهای مردم را شنیدید فکر می کنید آیا امکان تعریف فضای جامعه وجود دارد ؟از عهده شما بر می آید که مردم را اقناع کنید که در داوری منصفانه با دیگر به اصلاحات رای دهند؟**

** همین که مردم رأی نمی دهند، به واسطه سرخوردگی است که به وجود آمده، اما چرا این سرخوردگی شکل گرفت؟ یک بخش مربوط است به حرفهایی که زده ایم و نتوانستیم عمل کنیم، جواب هم برای آن نداریم و یک بخش هم کارشکنی هایی ایجاد شده در مسیر اصلاحات است. تلاش دارم با ارائه برنامه هایم مردم را به حمایت از اصلاحات مورد نظرم و با بهرهگیری از تجربیات و دیدگاههای پیشتازان اصلاح طلبی ترغیب کنم اما اینکه چه کار کنیم که مردم به صحنه بیایند، برنامه هایی داریم، اما باید به مردم این مطلب را انتقال دهیم که با همه سرخوردگی ها ،نیامدن بدتر است ودشواریهای گوناگون به وجود می آورد و اتفاقاً دود نیامدن مردم به چشم همه می رود. حوادث تلخ، ناکامی، فشار اقتصادی ، ناامنی هرچه باشد فشارش روی ضعیف ترهاست. مردم، انتخابات شوراها ومجلس هفتم را تجربه کرده اند وبعید است آن تجربه را دوباره تکرار نمایند.**

*** بسیاری معتقدند که عامل ناکامی اصلاح طلبان مصلحت اندیشی بزرگان این جناح بوده است پاسخ شما چیست؟**

** مصلحت اندیشی برای من دفاع از حقوق مردم وقانون اساسی است. خط قرمز من ، مردم، کشور ، نظام و منافع ملی است. اگر احساس کنم ضربه ای به نظام و کشور می خورد خیلی سخت است که وارد موضوعی نشوم. هراسی وجود ندارد اگر بنده کنار بکشم تیتر روزنامه ها و ماهواره و بشوم و همه بگویند ماشاء الله یا اینکه بگویند کروبی آمد و مردم به او رأی ندادند . من خط قرمزم منافع ملی است، اما مطالبم را می گویم و درگیر هم میشوم و ممکن است که ناسزا هم بشنوم .**

*** مشکل این است که تعریف مشترکی از منافع نظام و منافع ملی در حاکمیت وجود ندارد. الآن می توانید به عنوان کسی که میخواهید پا به عرصه بگذارید، بگویید که از دیدگاه شما منافع نظام چیست؟**

** خط قرمزینی نظام جمهوری اسلامی ، یعنی به کشور و مردم لطمه ای وارد نشود. اشکال ندارد که به افراد لطمه بخورد، ولی حقوق عامه باید حفظ شود. واقعاً دشمنان کشور وجود سوء استفاده نکنند. مرز ایستادگی همان جایی است که باعث تقویت نظام و سرافرازی مردم می شود.**

*** شما بخشی از ناکامی ها را مربوط به سرخوردگی ها و بالا بردن مطالبات می دانید. یک بخش دیگر هم به مصلحت اندیشی ها بر می گردد در کنار این دو یک عده معتقدند اصلاح طلبان در تشکیل کابینه مقتدر عامل ناکامی بوده است.**

** بررسی ناکامی ها نیازمند یک فرصت جداگانه است. ضمن اینکه با کلیات سخن شما موافقم، اما بنده آدمی هستم که با شور و مشورت و با عقل جمعی کار می کنم، بنا دارم اگر مردم مرا به عنوان رئیس جمهور پذیرفتند بگویم این افراد را براساس مشورت ، تجربه، توانایی و تخصص انتخاب می کنم .بنا دارم افراد با سابقه ، باتجربه و توانمند را بیاورم که بعدها دنیا ایران را تحت فشار نگذاشته بودند؟ اگر یک زیر سؤال بردن دولت اصلاحات را نیز انصاف نمی دانم . در یکی از همین سفرها ، آنقدر سؤال کردند که آقا شما می خواهید مثل خاتمی عمل کنید . گفتم شما یک جوری سخن می گویید ، انگار ایشان کاری نکرده است . سخن گفتن از دستاوردهای اصلاحات و دولت اصلاحات واقعاً وقت جداگانه ای را طلب می کند . و متأسفانه برخی از این گلایه ها وندها از سوی کسانی مطرح می شود که خود عمداً یا سهواً در این ناکامی ها نقش داشته است.**

*** این سؤال بحث را وارد برنامه ها و اندیشه های شما می کشیدیم که مقابله صریح بود و تبعاتی برای نظام داشت که صحیح نمی دانستم یا می ماندیم و در عین دفاع صریح و آشکار از دوستانی که در یک اقدام ناپسند و نادرست توسط شورای نگهبان حذف شدند. قربانی هم می شدیم. دراین انتخابات شما هم به یای صندوق می آیمدند ، نه خودتان نه خانواده هایشان ، به هرحال فضای آن موقع با الآن متفاوت است.**

*** اصلاح طلبان یک دوره ۸ ساله ارکان قدرت را در دست داشتند هم دولت و هم مجلس . اکنون بسیاری از افراد می گویند که چه دلیل دیگری دارد که مردم دوباره بیایند به شما رأی بدهند؟**

** من خواهیم بگوییم مردم می گویند ما به شما رأی دادیم ، اما نتوانستید کاری کنید.**

*** تقریبا**

** من دوباره دارم. اول قبول ندارم که کار نشده است. در بخشهای مختلف خیلی کار شده است. یکسری ناکامی های جدی بوده است. واقعاً فضای الآن فضای سال ۱۳۷۵ است ؟ واقعاً وضع ما با دنیا همینطور بوده که الآن است؟ مگر آن روزها همه مردم را از ایران نرفته بودند؟ مگر همه دنیا ایران را تحت فشار نگذاشته بودند؟ اگر خاتمی با رای مردم خیلی کارها کردند. ناکامی در کارنامه ما هم دوعامل اصلی دارد. یک موانعی که ایجاد شد. عامل دیگر شعارهای غیرواقعی که دادیم یعنی یک چیزهایی دوستان ما گفتند و گفتیم که معلوم بود نمی توانستیم عمل کنیم و توقعات را بالا بردیم . شما مروری بر حرفهای ما در این دوران بکنید، ببینید که چه حرفهایی زدیم که مطالبات بالا رفت. بنابراین موفقیت ها زیاد بوده ، اما موانع وکارهای سنجیده هم زیاد بوده است. من می گویم ما ضعف هایی داشتیم، البته برخی می گویند تندروی اما من می گویم ضعف، چیزهایی که عمل نکردیم.**

*** در این انتخابات برای پیروزی آمده ام آمده ام که ببینم مردم چقدر ما را قبول دارند مهمترین دعوای ما این است که انتخابات ، رقابتی و آزاد باشد تا هر کس بفهمد چقدر رأی مردم را دارد**

*** آقای هاشمی می خواست به صحنه بیاید همه دوستانش ، مردم را اقناع کنید که در آن لطافت بهار با گرمای انتخابات طبیعت و سیاست را دلبذیر کرده است انجام پذیرفت. در میان کارگزاران جمهوری اسلامی ، دبیر مجمع روحانیون ،روحانی منحصر به فرد دارد، رفاقت و دوستی جاشنی رفتار او است. رسمیت جلسه گفت وگوی ما را نبس پیشین مجلس شورای اسلامی با همین جاشنی شکسته شد. مصاحبه ای که شاید در ذهن خود طرح یک مواجهه و چالش را می پروراندیم. آخر الامر به یک گپ سیاسی تبدیل شد .**

میزبان ما ترجیح داد گفت وگوی مبسوط او با «ایران» در عین حال فرصتی برای همسخنی اهل رسانه و اهالی سیاست باشد.

البته رضایت ما نیز با این تدبیر شیخ همراه بود. ما خواهوده مطبوعاتی «ایران» نیز که در این سالها نگاهی احترام آمیز به نقشهای این ریش سفید اصلاح طلبان داشتیم چنین فرصتی را مغتنم شمردیم. اما فضای دوستانه جلسه مانع از آن نشد که کاندیدای اصلاح طلبان پرسشهای ما را نشنود. او با حوصله سوالات ما را که گاهی آهنگ نقد و چالش به عملکرد او و طایفه اصلاح طلبان داشت شنید. بخش غالبی از آن را پاسخ گفت و قسمتی دیگر را به وقت مقتضی احاله کرد.

مهدی کروبی درست پس از ۸ ماه از تجربه حذف و ناکامی اصلاح طلبان اکنون گام در آزمون خطیری نهاده است. او در این انتخاب برای خود تکلیف و تعهدی تاریخی حس می کند و بر آن است تا در کنار کاندیدای دیگر دوماه (مصطفی معین) مدافع میراث اصلاحات باشد.

کروبی اکنون با کارنامه ای پر فراز و فرود که بخشی از آن در همقدمی با اصلاح طلبان و بخش دیگر در همنشینی با بلند پایگان نظام رقم خورده است به انتخابات بازگشته است. او خودش در مرور این سابقه، گاهی زبان به اقرار می گشاید و ضعف ها و لغزشها را تأیید می کند و گاهی دیگر، زبان ملامت و حسرت در کام می گیرد و یاران اصلاح طلب اش را صاحب تقصیر می خواند. در هر حال او با نوشتن نام خود در دفتر یک کارزار جدید، خویشتن را در معرض قضاوتی تازه قرار داده است و بی اعتنا به حدس و پیشداوری دیگران منتظر است تا حکم نهایی مردم را در ۲۷ خرداد بشنود. کروبی به اعتبار حضور طولانی در مناسبات سران نظام و در هر گفت وگویی، حرفهایی نیز برای نگفتن دارد، با طرح هر پرسشی ذهن این مقام خانواده نظام در گیر بخشی از وقایع سالهای اخیر می شود که در نهایت شیخ را به اقدام ناخواسته خاموش کردن ضبط می کشاند.

اما گفت وگوی ما با ریش سفید اصلاحات، اتفاقات دیگری را هم شاهد بود. اضافه شدن مدیر مسؤول روزنامه که به اتفاق دست دیرینش دعوتنامه ای مستقل از میزبان داشت فضای مصاحبه را به سمت معادلات و مسائل خانوادگی اصلاح طلبان کشید. از این پس پای پرسشها و نقدهای جدید به میان آمد.

*** آقای کروبی هنوز هم بسیاری از افراد از چرایی آمدن شما به انتخابات می پرسند. سؤال این است که تصمیم شما خلاف عرف و عادت معمول سیاستمداران ایران است که وقتی از نگاه افکار عمومی نسبت به موقعیت خود خبر دارند از ریسک ورود به رقابتهای انتخاباتی پرهیز می کنند اما شما در وضعیتی که خیلی از مدیران ترجیح داده اند در عرصه پردردسر انتخابات وارد نشوند ، تصمیم به کاندیداتوری گرفته اید، چرا ؟**

** بنای من این بوده که هیچگاه صحنه را خالی نکنم و حضور خود را در صحنه باشم ، اما همیشه تلاش داشته ام که اولویت با دیگران باشد، به ویژه در بخش مدیریت اجرایی ، نمونه آن ماجرای دوم خرداد است. وقتی مجمع روحانیون تصمیم گرفت در انتخابات دوم خرداد ۷۶ حضور جدی داشته باشد ، ابتدا دنبال آقای میرحسین موسوی رفتیم و از ایشان درخواست کردیم که بیایند ، وقتی جامعه از آمدن آقای موسوی مأیوس شد یا ایشان مصلحت ندید وارد صحنه شود ، نخستین نفری که به فکر آقای خاتمی افتاد ، من بودم . جمعی هم بودند که به جد می گفتند من بیایم چون به زعم آنها بواسطه تصدی پست ریاست مجلس از همه معروف تر بودم . اما به هر قیمتی بود همه تلاش کردیم تا اینکه آقای خاتمی پذیرفت ، حتی وقتی قرار شد در حضور مقام معظم رهبری این تصمیم مطرح شود آقای خاتمی تأکید داشتند که باید بگویید قرار است یکی از ما (خاتمی یا کروبی یا موسوی خوئینی ها) بیاید . در دوره نهم هم من با زاین مسیر را پیمودم و به اتفاق دوستان همفکر همه راهها را طی کردم تا یک نفر را به صحنه بیاوریم که ملاقاتها و دیدارهای بنده و آقای خاتمی و موسوی خوئینی ها و مهندس موسوی در این جهت بود که (مهندس موسوی) بیاید، اما ایشان نپذیرفتند . حتی برخی از دوستان آمدند آقای موسوی خوئینی ها را برای کاندیداتوری پیشنهاد کردند من هم چند جلسه با ایشان صحبت کردم که از پذیرش مسئولیت امتناع کردند .بالاخره تلاش کردیم، افراد دیگری را بیاوریم ، اما دیگران هم نپذیرفتند ودوباره ای برای حضورآنها نبود من تصمیم گرفتم به نظر دوستان احترام گذاشته و به صحنه بیایم.**

*** تجربه حضور نخستین پس از انقلاب ، یک درس و آموزه ای مهم دارد که مردم ایران معمولاً در انتخابات ریاست جمهوری به مدیران نظام چندان روی خوش نشان نمی دهند .آیا این تجربه موقعیت شما را تهدید نمی کند؟**

** اینکه می گویید از مدیران استقبال نمی کنند، شاید شما حرمت نگاه داشتید ونخواستید بگویید منظورتان از مدیران همان اشخاص روحانی است، چون تقریباً روحانیون در این سالها در مدیریت بالای نظام قرارداده اند، اما بدین صورت که شما می گویید موافق نیستم. آقای خاتمی «روحانی» بودند و در دفعه اول رأی بالایی آوردند ، دفعه دوم هم که تنها روحانی حاضر در انتخابات بودند (بجز چاره آقای فلاحیان) نسبت به دوره قبل رأی بسیار بالاتری آوردند ، خبرهایی که الآن از مناطق مختلف می رسند در این دوره متفاوت است، نکته سوم که مهمتر است ، اینکه جامعه ما به گونه ای شده که به شخص نگاه می کنند ، یعنی نگاه می کنند به اینکه چقدر جایگاه دارد ، به تفکرات و موضع گیریهای گذشته فرد نگاه می کنند و سپس انتخاب می کنند، اما در عین حال مردم یک اشکال کلی به کل نظام دارند نه به یک شخص ، آنها معتقدند که کشور خوب اداره نمی شود. می گویند نحوه برخورد مسؤولین با مردم بد است ، چون روحانیون مظهر این حکومتند، لذا اشکالات را از چشم این قشر می بینند. راجع به خودم باید بگویم زندگی ام پرفراز و نشیب بوده است . در مجلس اول از یک شهرستان محروم نماینده بودم ، در دوره دوم و سوم نیز از تهران یک میلیون و ۴۰۰ هزار رأی آوردم، در انتخابات مجلس چهارم هم رأی نیاوردم و شما می دانید فضا چگونه بود، رد صلاحیت ها، بی حرمتی ها، دروغ ها و تهمت ها و ... با این بار (مجلس هفتم)و فضایی که می گفتند و از ابتدا نتیجه برایم مشخص بود چرا که از یک سو با حذفها وار سوی دیگر با تحریمها مواجه بودیم .اما حرفم این است که در این انتخابات برای پیروزی آمده ام ،آمده ام که ببینیم مردم چقدر ما را قبول دارند، مهمترین دعوای ما این است که انتخابات ، رقابتی و آزاد باشد تا هر کس بفهمد چقدر رأی مردم را دارد.**

*** بسیاری معتقدند که در شرایط فعلی ، چهره ای مثل شما، اگر وارد صحنه نشود ، می تواند از جایگاه هدایت و رهبری یک جریان، عمل کند اما اگر وارد صحنه شود واحیاناً رأی نیاورد شاید از دامنه نفوذش و وجهه هدایت گرانه تان کاسته شود ، آیا شما نگران چنین اتفاقی بعد از انتخابات نیستید؟**

** دنیای سیاست ،دنیای واقعیات است . ما می خواهیم در انتخابات حضوری جدی داشته باشیم . نمی خواهیم بیاییم و بعد از انتخابات حرف و حدیث های دیگری مطرح کنیم، آیا غیر از این راهی داشتیم، ما دوراه داشتیم ، یا کنار می کشیدیم یا می ماندیم . یک جریانی هم وجود داشت که می خواست فضا را معلق نگاه دارد ، می خواست که با ما نیاییم یا اینکه با تکلیف و حکم بیاییم در حالی که بر این باورم مردم ما از چهره هایی که به اندازه طول حیاتشان در خدمت آرمانهای ایشان گام برداشته اند استقبال خواهند کرد.**

*** موقعیت شما در این انتخابات از یک نظر به موقعیت آقای هاشمی بسنگی دارد ، هر دو یکسار در ترازوی رأی مردم وافکار عمومی قرار گرفته اید .ایشان یک تجربه ناموفق در انتخابات مجلس ششم و شما در انتخابات مجلس هفتم دارید. حال شما در محاسبه فردی تان چگونه به تجربه ناکام قبلی در انتخابات غلبه کرده اید؟**

** وقتی آقای هاشمی می خواست به صحنه بیاید همه دوستانشان و تمام نظرسنجی ها می گفتند ایشان جزو نفرات اول است اما اینکه چرا اینجوری شد و فضا آنگونه شد، بحث دیگری است. اما وضعیت من با ایشان متفاوت است. آقای هاشمی اصلاً فکر نمی کرد حذف شد ، اما من در مورد خودم می دانستم مشکل خواهیم داشت ، من در مجمع روحانیون می گفتم بگذارید من در انتخابات مجلس هفتم ثبت نام نکنم تا بدانند که من خودم هیچ منفعتی ندارم و فقط می خواهم از داوطلبان دفاع کنم، اما دوستان ، استدلالهای گوناگونی می آوردند و می گفتند اگر شما ثبت نام نکنید، نمی توانید دفاع کنید ، چون می دانند شما سه ماه دیگر نیستید، اما با این حال ثبت نام کردم، ولی حوادث ناخواسته ای تحمیل شد و اصلاح طلبان حذف شدند. ما ماندیم بین بد وبدتر یا باید کنار بالاخره با وعده و وعید نمی توان کشور را اداره کرد . قصد من عمل و تحقق خواسته های مردم است.**

*** در این چند ماه که از نزدیک حرفهای مردم را شنیدید فکر می کنید آیا امکان تعریف فضای جامعه وجود دارد ؟از عهده شما بر می آید که مردم را اقناع کنید که در داوری منصفانه با دیگر به اصلاحات رای دهند؟**

** همین که مردم رأی نمی دهند، به واسطه سرخوردگی است که به وجود آمده، اما چرا این سرخوردگی شکل گرفت؟ یک بخش مربوط است به حرفهایی که زده ایم و نتوانستیم عمل کنیم، جواب هم برای آن نداریم و یک بخش هم کارشکنی هایی ایجاد شده در مسیر اصلاحات است. تلاش دارم با ارائه برنامه هایم مردم را به حمایت از اصلاحات مورد نظرم و با بهرهگیری از تجربیات و دیدگاههای پیشتازان اصلاح طلبی ترغیب کنم اما اینکه چه کار کنیم که مردم به صحنه بیایند، برنامه هایی داریم، اما باید به مردم این مطلب را انتقال دهیم که با همه سرخوردگی ها ،نیامدن بدتر است ودشواریهای گوناگون به وجود می آورد و اتفاقاً دود نیامدن مردم به چشم همه می رود. حوادث تلخ، ناکامی، فشار اقتصادی ، ناامنی هرچه باشد فشارش روی ضعیف ترهاست. مردم، انتخابات شوراها ومجلس هفتم را تجربه کرده اند وبعید است آن تجربه را دوباره تکرار نمایند.**

*** بسیاری معتقدند که عامل ناکامی اصلاح طلبان مصلحت اندیشی بزرگان این جناح بوده است پاسخ شما چیست؟**

** مصلحت اندیشی برای من دفاع از حقوق مردم وقانون اساسی است. خط قرمز من ، مردم، کشور ، نظام و منافع ملی است. اگر احساس کنم ضربه ای به نظام و کشور می خورد خیلی سخت است که وارد موضوعی نشوم. هراسی وجود ندارد اگر بنده کنار بکشم تیتر روزنامه ها و ماهواره و بشوم و همه بگویند ماشاء الله یا اینکه بگویند کروبی آمد و مردم به او رأی ندادند . من خط قرمزم منافع ملی است، اما مطالبم را می گویم و درگیر هم میشوم و ممکن است که ناسزا هم بشنوم .**

*** مشکل این است که تعریف مشترکی از منافع نظام و منافع ملی در حاکمیت وجود ندارد. الآن می توانید به عنوان کسی که میخواهید پا به عرصه بگذارید، بگویید که از دیدگاه شما منافع نظام چیست؟**

** خط قرمزینی نظام جمهوری اسلامی ، یعنی به کشور و مردم لطمه ای وارد نشود. اشکال ندارد که به افراد لطمه بخورد، ولی حقوق عامه باید حفظ شود. واقعاً دشمنان کشور وجود سوء استفاده نکنند. مرز ایستادگی همان جایی است که باعث تقویت نظام و سرافرازی مردم می شود.**

*** شما بخشی از ناکامی ها را مربوط به سرخوردگی ها و بالا بردن مطالبات می دانید. یک بخش دیگر هم به مصلحت اندیشی ها بر می گردد در کنار این دو یک عده معتقدند اصلاح طلبان در تشکیل کابینه مقتدر عامل ناکامی بوده است.**

** بررسی ناکامی ها نیازمند یک فرصت جداگانه است. ضمن اینکه با کلیات سخن شما موافقم، اما بنده آدمی هستم که با شور و مشورت و با عقل جمعی کار می کنم، بنا دارم اگر مردم مرا به عنوان رئیس جمهور پذیرفتند بگویم این افراد را براساس مشورت ، تجربه، توانایی و تخصص انتخاب می کنم .بنا دارم افراد با سابقه ، باتجربه و توانمند را بیاورم که بعدها دنیا ایران را تحت فشار نگذاشته بودند؟ مگر یک زیر سؤال بردن دولت اصلاحات را نیز انصاف نمی دانم . در یکی از همین سفرها ، آنقدر سؤال کردند که آقا شما می خواهید مثل خاتمی عمل کنید . گفتم شما یک جوری سخن می گویید ، انگار ایشان کاری نکرده است . سخن گفتن از دستاوردهای اصلاحات و دولت اصلاحات واقعاً وقت جداگانه ای را طلب می کند . و متأسفانه برخی از این گلایه ها وندها از سوی کسانی مطرح می شود که خود عمداً یا سهواً در این ناکامی ها نقش داشته است.**

*** این سؤال بحث را وارد برنامه ها و اندیشه های شما می کشیدیم که مقابله صریح بود و تبعاتی برای نظام داشت که صحیح نمی دانستم یا می ماندیم و در عین دفاع صریح و آشکار از دوستانی که در یک اقدام ناپسند و نادرست توسط شورای نگهبان حذف شدند. قربانی هم می شدیم. دراین انتخابات شما هم به یای صندوق می آیمدند ، نه خودتان نه خانواده هایشان ، به هرحال فضای آن موقع با الآن متفاوت است.**

*** اصلاح طلبان یک دوره ۸ ساله ارکان قدرت را در دست داشتند هم دولت و هم مجلس . اکنون بسیاری از افراد می گویند که چه دلیل دیگری دارد که مردم دوباره بیایند به شما رأی بدهند؟**

** من خواهیم بگوییم مردم می گویند ما به شما رأی دادیم ، اما نتوانستید کاری کنید.**

*** تقریبا**

** من دوباره دارم. اول قبول ندارم که کار نشده است. در بخشهای مختلف خیلی کار شده است. یکسری ناکامی های جدی بوده است. واقعاً فضای الآن فضای سال ۱۳۷۵ است ؟ واقعاً وضع ما با دنیا همینطور بوده که الآن است؟ مگر آن روزها همه مردم را از ایران نرفته بودند؟ مگر همه دنیا ایران را تحت فشار نگذاشته بودند؟ اگر خاتمی با رای مردم خیلی کارها کردند. ناکامی در کارنامه ما هم دوعامل اصلی دارد. یک موانعی که ایجاد شد. عامل دیگر شعارهای غیرواقعی که دادیم یعنی یک چیزهایی دوستان ما گفتند و گفتیم که معلوم بود نمی توانستیم عمل کنیم و توقعات را بالا بردیم . شما مروری بر حرفهای ما در این دوران بکنید، ببینید که چه حرفهایی زدیم که مطالبات بالا رفت. بنابراین موفقیت ها زیاد بوده ، اما موانع وکارهای سنجیده هم زیاد بوده است. من می گویم ما ضعف هایی داشتیم، البته برخی می گویند تندروی اما من می گویم ضعف، چیزهایی که عمل نکردیم.**

■ در این انتخابات برای پیروزی آمده ام آمده ام که ببینیم مردم چقدر ما را قبول دارند مهمترین دعوای ما این است که انتخابات ، رقابتی و آزاد باشد تا هر کس بفهمد چقدر رأی مردم را دارد

■ آنچه که اکنون به آن نیازمندیم کاربردی کردن و عملیاتی کردن ادبیات دموکراسی است

■ این بار ، اصلاحات را از تشکل های صنفی و غیر دولتی و مردمی آغاز می کنم

■ اندیشه ها و ظرفیتهای خاتمی برای پاسخگو کردن قدرت با تجربه او تفاوت دارد .

**■ ما با یک پروژه ناتمام مواجهیم که همه بخشهای آن تجربه و لمس نشده اند. دولت مجال پیگیری و تجربه بخشی از اندیشه و پروژه اصلاحی بزرگش را داشت . ما باید این مجال را در سطحی گسترده تر فراهم بیاوریم و سعی کنیم راهکارهای خاتمی را هرچه بیشتر نهادینه کنیم وتوسعه بیخشیم چنانکه گفتم من به دنبال نهادینه کردن اصلاحات و کاربردی وعملیاتی کردن ادبیات دموکراسی در قالب تأسیس و تقویت نهادهای جامعه مدنی هستم . من این بار اصلاحات را از تشکل های صنفی و غیر دولتی مردمی آغاز می کنم و بیشترین وقت خودم را برای دانش آموزان و جوانان و تقویت حرکت بالارزش مشارکت پذیری آنها در تشکل های صنفی مربوط به خودشان می گذارم . یکی از رزشمندترین کارهای انجام شده به اعتقاد من تأسیس شوراهای دانش آموزی، سازمان دانش آموزی و در نهایت مجلس دانش آموزی بود . من به این مجلس خیلی علاقه دارم و به وجود آن افتخار می کنم و به شکل گیری آن کمک کردم. از به